

رؤیت هلال

جلد اوّل

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی
واحد احیاء آثار اسلامی

به کوشش
رضا مختاری و محسن صادقی

بوشهری
۱۳۸۴

مختصراً

دیل ۱۳۸۴ شمسریه

باب چهارم

چشم مسلح و رؤیت هلال

در احادیث، احکام و آثاری بر موضوعاتی چون رؤیت، نظر سمع، استماع و مانند اینها مترتب شده است. این روایات از یک لحاظ به دو دسته تقسیم می‌شوند. ما ابتدا نمونه‌هایی اندک از این دو دسته روایات را نقل و سپس آنها را بررسی می‌کنیم:

روایات دسته اوّل

الف) رؤیت، نظر

- ۱- من اطلع في بيت جاره فنظر إلى عورة رجل أو شعر امرأة أو شيء من جسدها...^۱
- ۲- من نظر إلى عورة أخيه المسلم... أدخله الله...^۲
- ۳- حرّم النظر إلى شعور النساء... لما فيه من تهيج الرجال.^۳
- ۴- أيّها الناس إنّما النظر من الشيطان.^۴
- ۵- النظر سهم مسموم من سهام إبليس.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۶۱، ح ۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۲، ح ۲.

۳. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۲.

۴. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۹، ح ۴۶.

۵. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۸، ح ۳۴، و ص ۴۰، ح ۴۶.

- فالنظر سبب إيقاع الفعل من الزنى وغيره.^۱
- من نظر إلى الفقاع... فليذكر الحسين عليه السلام و ليلعن يزيد و آل زياد.^۲
- مَنْ قصد إلى مصلوب فنظر إليه وجب عليه الغسل عقوبة.^۳
- إذا رأى أحدكم امرأةً تعجبه فليأت أهله؛ فإنَّ عند أهله مثل ما رأى.^۴
- فإذا نظر أحدكم إلى امرأة تعجبه فليلمس أهله.^۵

(ب) سمع، استماع

- من استمع إلى فضيلة من فضائله [أي أمير المؤمنين عليه السلام] غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالاستماع...^۶
- من سمع رجلاً ينادي «يا للمسلمين» فلم يجبه فليس بمسلم.^۷
- الاستماع منهنَّ [أي المغنيات] نفاق.^۸
- و رأيت القرآن قد ثقل على الناس استماعه و خفَّ على الناس استماع الباطل.^۹
- استماع الغناء واللغو يثبت النفاق في القلب...^{۱۰}
- كثرة الاستماع إلى الغناء يورث الفقر.^{۱۱}
- ثلاثة يقسين القلب: استماع اللغو...^{۱۲}
- استماع الأوتار من الكبائر.^{۱۳}

۱. بحار الأنوار، ص ۱۸۲، ح ۳۱.
۲. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۳۴.
۳. وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۳۳۲، ح ۳۷۹۸.
۴. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۵، ح ۱؛ ج ۱۰، ص ۲۸۷، ح ۱۹.
۵. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۴۹، ح ۱؛ ج ۱۰، ص ۳۹، ح ۴۳.
۶. بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶، ح ۴.
۷. وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۴۱، ح ۲۰۱۶۹.
۸. میراث فقہی (۱): غناء، موسیقی، ص ۲۲۰۵، ح ۵۶، و ص ۲۲۰۸، ح ۶۱.
۹. همان، ص ۲۲۲۸، ح ۱۰۲.
۱۰. همان، ص ۲۲۳۰، ح ۱۰۷، نیز رک: ح ۱۱۴.
۱۱. همان، ص ۲۲۳۲، ح ۱۱۰، ۱۱۱.
۱۲. همان، ص ۲۲۳۲، ح ۶ و ص ۲۲۳۳، ح ۱۱۳.
۱۳. همان، ص ۲۲۳۸، ح ۱۱۹.

- من استمع إلى الله يُذاب في أذنه الأذنك.^۱

اینها نمونه‌های بسیار اندک از روایاتی است که در آنها رؤیت و نظر، یا سمع و استماع موضوع حکمی قرار گرفته یا اثری بر آنها بار شده است. رؤیت و سمع در همه این روایات مطلق است و شامل همه انواع و اقسام آنها می‌شود، چه رؤیت و سمع عادی و بدون ابزار که در زمان صدور روایات رایج بوده است، و چه رؤیت با انواع ابزارها مانند دوربین و تلسکوپ، یا سمع و شنیدن از انواع ابزارهای امروزی مانند، بلندگو، تلفن، بی سیم، ضبط صوت، رادیو و تلویزیون. بنابراین هیچ طلبه‌ای فضلاً از فقیه از این روایات چنین نمی‌فهمد که مثلاً شنیدن غنا مستقیماً و بدون ابزار حرام، و از رادیو یا تلویزیون حلال است؛ یا فضیلتی که شنیدن فضائل مولی الموالی امیرالمؤمنین (علیه أفضل صلوات المصلین) بدون ابزار دارد با شنیدن از ابزار منتفی است. همچنین موارد دیگری که نقل شد مانند استماع غنا، سماع استغاثه مسلمان، نظر به نامحرم، نظر به مصلوب.

به هیچ وجه نمی‌توان مدّعی شد که رؤیت و سمع در این روایات، منصرف است به رؤیت و سمع متعارف در زمان صدور، یا فقط همان نوع به ذهن تبادر می‌کند. اما روایات دسته دوم، بر خلاف این روایات، از این لحاظ مطلق نیستند که پس از نقل نمونه‌هایی به توضیح آنها می‌پردازم:

روایات دسته دوم

- إذا كنت في الموضع الذي تسمع فيه الأذان فأتمّ، وإذا كنت في الموضع الذي

لا تسمع فيه الأذان فقصّر.^۲

- إذا سمع الأذان أتمّ المسافر.^۳

- الرجل يريد السفر، متى يقصّر؟ قال: إذا توارى من البيوت.^۴

- أليس قد بلغوا الموضع الذي لا يسمعون فيه أذان مصرهم الذي خرجوا منه؟^۵

۱. همان، ص ۲۲۴۰، ح ۱۲۷.

۲. وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۴۷۲، ح ۱۱۱۹۶.

۳. وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۴۷۳، ح ۱۱۲۰۰.

۴. وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۴۷۱، ح ۱۱۱۹۴.

۵. وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۴۶۶ - ۴۶۷، ح ۱۱۱۸۶.

در این روایات که درباره حدّ ترخص وارد شده‌اند مسلماً سمع و شنیدن اذان بدون ابزار و متناسب با وضع زمان صدور مراد است و هرگز شنیدن از بلندگو یا تلفن و بی سیم یا رادیو را شامل نمی‌شود.

همچنین تواری (= استتار) یعنی تواری متعارف در زمان صدور، و نه با استفاده از دوربین و تلسکوپ و مانند آنها.^۱

۱- إذا دخلت مكة وأنت متمتع فنظرت إلى بيوت مكة فاقطع التلبية.^۲

۲- المتمتع إذا نظر إلى بيوت مكة قطع التلبية.^۳

۳- سئل عن المتمتع متى يقطع التلبية؟ قال: «إذا نظر إلى عراش مكة، عقبة ذي طوى» قلت: بيوت مكة؟ قال: «نعم».^۴

۴- إذا رأيت أبيات مكة فاقطع التلبية.^۵

۵- سأله عن تلبية المتمتع متى يقطعها؟ قال: «إذا رأيت بيوت مكة».^۶

۶- إذا رأيت بيوت ذي طوى فاقطع التلبية.^۷

در این احادیث که درباره قطع تلبیه هنگام رؤیت (و نظر به) خانه‌های مکه‌اند، رؤیت و نظر موضوع حکمی قرار گرفته است و مسلماً نظر و رؤیت به طرق عادی و چشم غیر مسلح مراد است و قطعاً چنین نیست که اگر مُحَرَّم مثلاً از چند فرسخی مکه با دوربین یا تلسکوپ خانه‌های مکه را دید، قطع تلبیه لازم باشد.

۷- سأله عن الدود يَفْعُ من الكنيف على الثوب، يُصَلِّي فيه؟ قال: لا بأس، إلا أن تری أثراً فتغسله.^۸

۱. رک: العروة الوثقى، ج ۳، ص ۴۶۴، مسأله ۶۴.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۸۹، ح ۱۶۵۸۱.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۸۹، ح ۱۶۵۸۲.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۹۰، ح ۱۶۵۸۴.

۵. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۹۰، ح ۱۶۵۸۵.

۶. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۹۰، ح ۱۶۵۸۶.

۷. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۹۴، ح ۱۶۵۹۹.

۸. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۲۶، ح ۴۳۶۵.

- السیف بمنزلة الرءاء تصلي فيه ما لم تر فيه دمًا^۱.
 - كل شيء من الطير يتوضأ مما يشرب منه، إلا أن ترى في منقاره دمًا، فإن رأيت في منقاره دمًا فلا تتوضأ منه ولا تشرب^۲.
 - سأله عن الفأرة والدجاجة والحمام وأشباهها تطأ العذرة ثم تطأ الثوب، أيغسل؟ قال: إن كان استبان من أثره شيء فاغسله، وإلا فلا بأس^۳.
 - سأله عن رجل رعى فامتخط، فصار بعض ذلك الدم قطراً صغاراً، فأصاب إناءه، هل يصلح الوضوء منه؟ فقال: «إن لم يكن شيئاً يستبين في الماء فلا بأس، وإن كان شيئاً يبيناً فلا تتوضأ منه^۴».

در این پنج روایت نیز مسلماً منظور از «ترى»، «رأيت»، «استبان» و «يستبين» دیدن اثر نجس با چشم غیر مسلح و رؤیت متعارف زمان صدور منظور است نه رؤیت با میکروسکوپ. و هیچ فقهی فتوا نمی‌دهد که در چنین مواردی اگر اثر نجس روی لباس با چشم متعارف دیده نشد ولی با میکروسکوپ دیده شد، آن لباس باید تطهیر شود. به عبارت دیگر، رؤیت و سمع در روایات دسته دوم به هیچ وجه مطلق نیست و شامل همه افراد آنها نمی‌شود، برخلاف روایات دسته اول.

اکنون باید این موضوع را تحلیل و تبیین کرد که چرا روایات دسته اول مطلق است برخلاف دسته دوم. روشن است که صرف ادعای انصراف در دسته دوم و عدم آن در دسته اول، یا ادعای تناسب حکم و موضوع به تنهایی دردی را دوا نمی‌کند. ما در اینجا به تبیین و تحلیل منطقی این روایات می‌پردازیم و سپس روایات رؤیت هلال را بررسی می‌کنیم که آیا از دسته اولند یا دوم؟

با دقت در مفاد این دو دسته معلوم می‌شود که دسته دوم در مقام تحدید و مشخص کردن اندازه یا مقدار و مسافت و مرتبه خاصی از چیزی است و خود حس یعنی سمع و رؤیت، موضوعیتی ندارد، بلکه به عنوان مقیاس و ابزار سنجش از آن استفاده شده است.

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۲۹، ح ۴۳۷۱.

۲. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۲۷ - ۵۲۸، ح ۴۳۶۸.

۳. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۶۷، ح ۴۱۹۴.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۵۰ - ۱۵۱، ح ۳۷۵.

مثلاً از دیدن خانه‌های مکه در وجوب قطع تلبیه، یا شنیدن صدای اذان و دیدن دیوارهای شهر در حدّ ترخص، به عنوان ابزار اندازه‌گیری استفاده شده است. در حقیقت دیدن یا شنیدن در این مورد تنها علامتی برای سنجش یک فاصله طولی مشخص است. (مثلاً یک فرسخ).^۱ همچنین در روایات دیدن اثر نجس: «تری أثرأ فتغسله»، «تری دماً» و «استبان من أثره شیء» مراد مطلق رؤیت یا مطلق استبانه نجس نیست. بلکه مراد اندازه خاص و وضع و مقدار خاصی از انتقال اثر نجس است که اگر با چشم متعارف و عادی قابل رؤیت باشد تطهیر لباس واجب است و الا نه، و رؤیت موضوعیتی ندارد بلکه ابزاری برای سنجش خاصی است. به عبارت دیگر، در دسته دوم رؤیت و سمع و مانند آنها در مقام تحدید، و طریق است برای اثبات چیزی دیگر مانند مسافتی خاص، یا کیفیتی خاص و به تعبیر فنی طریقت دارد نه موضوعیت. از این رو هیچ ابزار و وسیله دیگری مانند دوربین، تلسکوپ، بلندگو و میکروسکوپ جایگزین آن نمی‌شود، چون لازمه و خاصیت تحدید مشخص و معین بودن است و اگر بنا باشد در تشخیص حدّ ترخص مثلاً هم رؤیت عادی معتبر باشد هم رؤیت با چشم مسلح، معنایش مشخص نبودن مسافت و مقدار حدّ ترخص است که منافی با غرض شارع است و معنی ندارد شارع چیزی را معیار تشخیص حدّ ترخص قرار دهد که طبق یک فرد از آن معیار (رؤیت عادی) حد ترخص مثلاً یک فرسخ و طبق یک فرد دیگر از آن معیار (رؤیت با چشم مسلح) مثلاً سه فرسخ باشد.

در موارد مذکور از رؤیت و سمع به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری استفاده شده است. و درست به همین دلیل، هیچ چیز جایگزین آن نمی‌شود، نه تنها چشم مسلح و شنیدن با ابزار، بلکه حتی سمع و نظر خارق العاده خلاف متعارف - هر چند بدون ابزار - نیز جانشین سمع و بصر متعارف نمی‌شود، همچنان‌که صاحب عروه فرموده و هیچیک از محشّین عروه بر آن حاشیه نزده‌اند:

المدار فی عین الرائي وأذن السامع على المتوسط في الرؤية والسمع... فغير المتوسط يرجع إليه، كما أنّ الصوت الخارق في العلوّ يُردُّ إلى المعتاد المتوسط.^۲

۱. رک: مقاله «بررسی حکم شرعی رؤیت هلال با چشم مسلح»، عرضه شده به دومین سمینار تخصصی رؤیت هلال، مهرماه ۱۳۸۳.

۲. العروة الوثقی، ج ۳، ص ۴۶۴، مسأله ۶۴.

علاوه بر سمع و بصر، هرگاه عضو دیگری نیز وسیله‌ای برای سنجش باشد هرگز مطلق آن مراد نیست و الاً نقض غرض و برخلاف در مقام تحدید بودن است. مثلاً در بیان حدّ کر چند «شبر» (وجب) معمولی و متعارف مراد است و هیچ فقهی تفوه نکرده است که «شبر» در روایت مطلق است و شامل همه انواع آن می‌شود چه شبر خردسال، چه بزرگسال، چه بسیار کوچک و چه به طور خارق العاده بزرگ! و همین طور موارد مشابه دیگر مانند حدّ شستن صورت در وضو.

با توجه به این نکته، سمع و رؤیت و مانند آن در دسته دوم طریقت دارند یعنی طریق و وسیله برای سنجش مقدار خاصی هستند. از این رو همان سمع و رؤیت متعارف زمان صدور روایت مورد نظر است و این دسته به هیچ وجه مطلق نیستند که شامل هر نوع سمع و رؤیتی بشوند.

برخلاف روایات دسته اول، که رؤیت، سمع، نظر و استماع در آنها در مقام تحدید چیز دیگری نیست و طریقت ندارد بلکه موضوعیت دارد و به مقتضای صناعته فقهی مطلق است. مثلاً: نظر به نامحرم، چه با دوربین و تلسکوپ و چه با چشم عادی حرام است و از سوی دیگر شنیدن فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) چه از ابزار مثل رادیو، تلویزیون، تلفن، بی‌سیم، بلندگو، و چه بدون اینها، همه استماع است و مطابق روایت مذکور فضیلت دارد. نیز در موارد دیگر مانند «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین» و شنیدن غنا و لهو فرقی بین شنیدن از ابزار مثل رادیو و شنیدن بی‌ابزار نیست، چون در همه این موارد؛ خود شنیدن و دیدن موضوعیت دارد و طریق برای چیز دیگری نیست، لذا چیز دیگری غیر از شنیدن و دیدن، جانشین آن نمی‌شود، بر خلاف روایات دسته دوم که طریقت دارند و چون طریقت دارند از هر راهی که مقدار مورد نظر آن روایات احراز شود حکم مترتب می‌شود هر چند سمع و نظری در کار نباشد.

«رؤیت» در روایات رؤیت هلال

اکنون به رؤیت هلال می‌پردازیم، و آن را از این جهت بررسی می‌کنیم:

۱. هر چند موضوع احکام شرعی مثل روزه ماه مبارک «شهر رمضان» است ولی شارع معیار شروع و پایان ماه را اهله و رؤیت آنها دانسته است. بنابراین مسلماً شروع و آغاز ماه

قمری با صرف خروج ماه از تحت الشعاع و محاق، محقق نمی‌شود. بلکه باید قدری از خروج ماه از محاق بگذرد که قابل رؤیت باشد. از این رو ملاک آغاز ماههای قمری «رؤیت هلال» است. دلیل این مدعا مشروحاً در جلد دوم و چهارم رؤیت هلال آمده است.^۱

۲. چنان که بسیاری از فقیهان بر این باورند^۲ حق آن است که رؤیت هلال طریقت دارد نه موضوعیت. یعنی از آنجا که نشانه‌ها و علائم دیگر در شرع مقدس جایگزین رؤیت می‌شوند - هر چند بالفعل رؤیت محقق نشده باشد - می‌فهمیم که رؤیت موضوعیت ندارد. مثلاً با گذشت سی روز از ماه قبل، حکم به حلول ماه جدید می‌کنیم ولو بالفعل رؤیت محقق نشود، یا کسی استهلال نکند یا بر اثر وجود مانعی هلال رؤیت نشود. نیز اگر هلال در شرق رؤیت شود، اول ماه برای نقطه غربی همعرض آن هم ثابت می‌شود هر چند هلال در آن رؤیت نشود. دلائل متعدّد طریقت به این معنی در جلد دوم و چهارم رؤیت هلال مشروحاً آمده و در اینجا به آنها نمی‌پردازیم.

۳. وقتی رؤیت طریقت داشته باشد نه موضوعیت، رؤیت تقدیری یا امکان رؤیت نیز مثبت حلول ماه جدید خواهد بود. بدین معنی که هرگاه قمر در وضعی باشد، که اگر مانعی در آسمان نباشد و مردم استهلال کنند هلال دیده می‌شود؛ همین اندازه برای اثبات اول ماه کافی است. بنابراین اگر بر اساس محاسبه قطعی به اتفاق کارشناسان و اهل خبره، ماه در موقعیتی باشد که «لولا المانع لرئی»، هر چند دیده نشود، اول ماه ثابت می‌شود. به عبارت دیگر، چنان که گذشت، صرف خروج ماه از محاق، مثبت حلول ماه جدید نیست، بلکه باید ماه به درجه و حدّی برسد که «قابل رؤیت» باشد و این قابلیت رویت، یا امکان رؤیت، یا رؤیت تقدیری و رؤیت‌پذیر بودن ماه، ملاک حلول ماه جدید است.

بنابراین، از هر طریق و وسیله و ابزاری که یقین یا اطمینان حاصل شد که ماه قابل رؤیت است مانند سخن منجمان و هیویان، اول ماه ثابت می‌شود، هر چند ماه بر اثر موانعی رؤیت نشود یا کسی استهلال نکرده باشد. ادله این سخن را در باب سوم: «اعتبار قول

۱. رک: رؤیت هلال، ج ۲، ص ۱۱۵۹، ۱۱۸۵، ۱۲۷۱-۱۲۷۴، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ۱۴۳۲، ۱۴۵۳، ۱۴۶۲، ۱۴۷۸.

۲. رک: رؤیت هلال، ج ۲، ص ۱۲۶۷-۱۲۶۸، ۱۳۸۳-۱۳۸۴.

هیوی در رؤیت هلال» آورده‌ام و اقوال دیگران در این موضوع را نیز در جلد دوم و چهارم رؤیت هلال نقل کرده‌ام.

۴. در بسیاری از ماههای قمری وضع ماه بدین منوال است که هلال شب سی ام با چشم غیر مسلح قابل رؤیت نیست ولی با ابزار دیده می‌شود یعنی پس از خروج ماه از محاق، هنوز به درجه‌ای نرسیده و آنقدر نور کسب نکرده است که بتوان بدون ابزار آن را رؤیت کرد، ولی با چشم مسلح ممکن است. لازمه این امر آن است که اگر رؤیت هلال با چشم مسلح معتبر باشد، حلول ماه یک روز زودتر ثابت می‌شود و اگر رؤیت بدون ابزار ملاک باشد، آغاز ماه یک روز دیرتر ثابت خواهد شد.

۵. موضوع بحث ما در این مقال، صورتی است که هلال با چشم غیر مسلح به هیچ وجه قابل رؤیت نباشد، هر چند هیچ مانعی مانند ابر و بخار وجود نداشته باشد. بنابراین، اگر هلال به حدی برسد که لولا المانع با چشم عادی رؤیت شود، ولی بر اثر مانع، فقط با تلسکوپ قابل رؤیت باشد، در اینجا مسلماً رؤیت با تلسکوپ معتبر است. در این فرض حتی اگر با تلسکوپ هم - بر اثر مانع - قابل رؤیت نباشد ولی محاسبات علمی نشان دهد که ماه با چشم غیر مسلح رؤیت پذیر و قابل رؤیت است، همین کافی و معتبر است و با آن حلول ماه نو ثابت می‌شود. چه بسا برخی از کسانی که رؤیت با تلسکوپ را معتبر می‌دانند مقصودشان همین صورت باشد.

۶. با توجه به آنچه گذشت، مشخص شد که اوّل ماه قمری وقتی است که ماه، پس از خروج از محاق، در مدار خود به درجه‌ای برسد که با چشم غیر مسلح قابل رؤیت باشد. و این درجه و به عبارت دیگر قابلیه الرؤیه یا امکان الرؤیه با چشم غیر مسلح موضوع حکم است و شارع مقدس وصول قمر به این درجه را نشانه آغاز ماه قمری دانسته است. این نکته‌ای است که بسیاری از جمله مرحوم آیه الله خوئی رحمه الله به آن تصریح کرده‌اند.^۱

۷. بنابر آنچه گذشت مسلماً شارع مقدس که حلول ماه را منوط به رؤیت کرده است در مقام تحدید است. یعنی از رؤیت به عنوان ابزاری برای رسیدن قمر به حدّ خاصی استفاده کرده است - و گرنه رؤیت موضوعیتی ندارد - درست مانند رؤیت دیوارهای شهر در حدّ

ترخص، که به هیچ روی موضوعیت ندارد و برای سنجش مقدار خاصی از مسافت از آن استفاده شده است.

۸. با این مقدمات روشن شد که روایات رؤیت هلال، از روایات دسته دوم آغاز این مقاله محسوب می‌شوند و همان طور که در آن موارد، از جمله تشخیص حد ترخص، استفاده از ابزاری مثل دوربین و تلسکوپ به هیچ وجه معتبر نیست، در رؤیت هلال نیز چنین است، چون از این جهت - یعنی به لحاظ در مقام تحدید بودن - هیچ فرقی بین آنها نیست.

۹. چنان که گذشت، از بررسی مجموع موارد مذکور، این مناط کلی به دست می‌آید که اگر استفاده از یک حسّ - مانند رؤیت، سمع - جنبه ابزاری داشته باشد، تحولات فناوری و توسعه در آن، به عنوان ابزار و طریق شرعی پذیرفته نیست، و استفاده از این ابزار با در مقام تحدید بودن سازگاری ندارد و چون رؤیت هلال نیز راهی برای علم به رؤیت پذیری هلال است و خود موضوعیت ندارد، بنابراین رؤیت با چشم مسلح، معتبر نیست، و نمی‌تواند دلیل شروع ماه قمری باشد.

۱۰. عمده دلیل عدم اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح، همین است که گذشت. برای توضیح بیشتر و تقریب به ذهن، به عنوان تمثیل می‌گوییم: برای ثبوت اول ماه، رؤیت هلال، و برای تشخیص حد ترخص رؤیت دیوارهای شهر معیار است و واقع امر در هر دو مورد خالی از این چهار فرض نیست:

الف) فقط رؤیت با چشم غیر مسلح، موضوع حکم و معتبر است (وهو المطلوب والمختار)؛

ب) هم رؤیت با چشم غیر مسلح موضوع حکم و معتبر است هم با چشم مسلح؛

ج) فقط رؤیت با چشم مسلح موضوع حکم و معتبر است.

د) تا قبل از اختراع و ساختن دوربین و تلسکوپ، موضوع حکم و معتبر فقط رؤیت با چشم غیر مسلح و پس از آن، تنها رؤیت با چشم مسلح است.

روشن است که فرض مقبول فقط صورت اول است و فرضهای بعدی ممنوع است، زیرا:

فرض دوم لازمه‌اش آن است که حد ترخص هم مثلاً یک فرسخ باشد (در رؤیت با

چشم عادی) و هم سه فرسخ مثلاً (در رؤیت با چشم مسلح)^۱، و نیز بسیاری از ماهها هم مثلاً روز شنبه اول ماه باشد (چون روز جمعه فقط با تلسکوپ قابل رؤیت است) و هم روز یک شنبه، چون (کما هو المفروض) فقط روز شنبه با چشم غیر مسلح قابل رؤیت است. وبه عبارت دیگر لازمه اش آن است که در طول بیش از هزار سال که از ابزار برای رؤیت استفاده نمی شد - در تمام موارد مشابه - روز یک شنبه مثلاً، و پس از استفاده از ابزار در عین همان فرض، روز شنبه اول ماه باشد.

بدیهی است که لازمه این فرض لغویت تحدید مذکور و مستلزم تنافی است، چون مستلزم آن است که هم حدّ ترخص یک فرسخ باشد هم سه فرسخ، و هم اول ماه وقتی است که مثلاً ۱۸ ساعت از خروج قمر از محاق گذشته باشد (در رؤیت با چشم غیر مسلح) و هم وقتی است که ۱۲ ساعت (در رؤیت با چشم مسلح).

فرض سوم هم که بدیهی البطلان است؛ زیرا لازمه اش آن است که شارع مقدس چیزی را ملاک و معیار قرار داده است که تا بیش از هزار سال از دسترس مکلفین خارج بوده است و با جعل چنین معیاری، مردم در بسیاری از ماهها برخلاف واقع عمل کرده اند آنها بر اثر فعل شارع!

فرض چهارم همان تالی فاسد فرض دوم را دارد که احدی به آن ملتزم نمی شود. بنابراین، با توجه به اینکه شارع مقدس معیاری را برای حلول ماه برای مردم قرار داده که از همان آغاز در دسترس مردم بوده است - برخلاف محاسبات حرکات خورشید که فقط اهل فن از آن مطلع بوده اند و این نکته از آیه شریفه «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِةِ» و گفتار مفسران در ذیل آن استفاده می شود^۲ - باید جازم شد که همان رؤیتی که در زمان شارع

۱. فرض ما جایی است که مثلاً دیوارهای شهر تا فاصله سه فرسخ با ابزار رؤیت شود، نه چهار فرسخ و بیشتر، تا اشکال شود که چهار فرسخ و بیشتر قطعاً مسافت وجوب قصر، و به ادله دیگر تکلیف روشن است.

۲. مثلاً علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه در المیزان گوید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَابْدٌ لَهُ مِنْ حَيْثُ الْخَلْقَةُ مِنْ أَنْ يَقْدَرَ أَعْمَالُهُ وَأَفْعَالُهُ... بِالزَّمَانِ، وَلَا زَمَانَ أَنْ يَتَقَطَّعَ الزَّمَانُ الْمَمْتَدَّ الَّذِي يُنْطَبِقُ عَلَيْهِ أُمُورُهُمْ قَطْعاً صَغِيراً وَكِبِيراً... وَالتَّقْطِيعُ الظَّاهِرُ - الَّذِي يَسْتَفِيدُ مِنْهُ الْعَالَمُ وَالْجَاهِلُ وَالْبُدِيُّ وَالْحَضَرِيُّ وَيَسْهَلُ حِفْظُهُ عَلَى الْجَمِيعِ - إِنَّمَا هُوَ تَقْطِيعُ الْأَيَّامِ

مقدس برای مردم قابل دستیابی بوده است، معتبر و موضوع حکم است، آنهم نه به دلیل انصرافِ رؤیت به رؤیت متعارف آن زمان، و نه تبادر آن نوع رؤیت به ذهن، که برخی از فقیهان به آن تمسک کرده‌اند^۱ - زیرا در روایات دسته اول هم طبق این مبنی باید به آن قائل شد با اینکه اساساً قابل التزام نیست - بلکه به دلیلی که گذشت یعنی در مقام تحدید بودن روایات رؤیت هلال و موضوعیت نداشتن آن، برخلاف روایات دسته اول.

عمده دلیل ما بر عدم اعتبار رؤیت با چشم مسلح همین است، ولی می‌توان مؤیدات و شواهدی نیز بر آن افزود که هر چند دلیل مستقل محسوب نمی‌شوند، اما برای تثبیت مدعا یا ایجاد شک در اعتبار چشم مسلح مؤثرند:

الف) لازمه معتبر بودن رؤیت با چشم مسلح، آن است که شارع مقدس بیش از هزار سال مردم را به اشتباه افکنده باشد که البته قابل التزام نیست. یعنی در بسیاری از ماههای سال، در واقع شارع حدی را ملاک شروع ماه قرار داده است (=قابلیت رؤیت با چشم مسلح، و مثلاً ۱۲ ساعت پس از خروج از محاق) که این حد تا پس از بیش از هزار سال قابل دسترسی نبوده است و مردم یک روز پس از آن را (=قابلیت رؤیت با چشم غیر مسلح، و مثلاً ۱۸ ساعت پس از خروج از محاق) اول ماه می‌دانسته‌اند و عید فطر و شب قدر و عرفة و عید قربان را به خلاف واقع یک روز دیرتر می‌دانسته‌اند، آنهم نه بر اثر تقصیر مکلفین، بلکه بر اثر فعل و جعل شارع. و اگر رؤیت با تلسکوپهای قوی غول پیکر ۸۵۰ تنی

→ بالشهور القمرية التي يدركه كل صحيح الإدراك مستقيم الحواس من الناس، دون الشهور الشمسية التي ماتت به لسانها ولم ينل دقيق حسابها الإنسان إلا بعد قرون وأحقاب من بدء حياته في الأرض، وهو مع ذلك ليس في وسع جميع الناس دائماً...».

نیز مرحوم آية الله سيد عبد الأعلى سبزواری در تفسیر مواهب الرحمن می‌نویسد:

«... لتقدير الزمان طرق مختلفة، ربما يصعب بعضها على عامة الناس ولا يمكن معرفته إلا بعد بلوغ الإنسان منزلة من العلم، ولذلك كان الطريق الأسهل لجميع الناس - الذي يستفيد منه العالم والجاهل والحضرى والبدوى - إنما هو التوقيت بالأهلة، ويكون الحساب بالشهور القمرية وهو قديم جداً...».

مشروح سخن این دو بزرگوار و سایر مفسران را در جلد اول رؤیت هلال نقل کرده‌ام. بسیاری از عالمان اهل سنت نیز متذکر این نکته شده‌اند.

معیار باشد هنوز هم در اختیار مسلمانان نیست.^۱

به عبارت دیگر، تکلیف شارع بر یا مخاطبان و مکلفان باید قابل عمل باشد. بنابراین، اگر رؤیت با چشم مسلح معیار باشد بدین معناست که شارع مقدس دستوری داده که در بسیاری از ماهها تا قرنهای برای مکلفین قابل عمل نبوده است؛ زیرا اگر ملاک رؤیت با چشم مسلح باشد مثلاً روز شنبه عید فطر بوده است در حالی که مسلمانان طبق رؤیت بدون ابزار، روز یکشنبه را عید گرفته‌اند، و تکلیف واقعی شارع مبنی بر شنبه بودن عید فطر برای آنان قابل عمل نبوده است و معقولی نیست شارع دستوری بدهد که برای مکلفان مثلاً تا ده قرن عملی نباشد.

ب) شارع رؤیت هلال را موضوع حکم قرار داده است، و اطلاق هلال بر هلال واقعی غیر قابل رؤیت با چشم غیر مسلح یعنی غیر قابل رؤیت در عصر شارع، استعمال لفظ در غیر معنای آن است. زیرا هلال مشتق از «هَلَّ» است به معنی «بدا و ظهر» یا به معنی

۱. یکی از فقهای معاصر نیز در تقد رؤیت هلال با چشم مسلح گوید:

«معیار چشم غیر مسلح است...؛ زیرا اگر معیار تولد واقعی ماه باشد مشکل مهمی پیش می‌آید که نمی‌توان به آن تن داد و آن اینکه غالباً تولد ماه قبل از امکان رؤیت با چشم عادی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر در بسیاری از موارد ماه در آسمان ظاهر می‌شود و هیچ کس با چشم عادی آن را نمی‌بیند و شب بعد قابل رؤیت است. بنابراین باید قبول کرد که ماه واقعاً در بسیاری از موارد یک شب جلوتر متولد شده منتها چون مردم با چشم عادی آن را ندیده‌اند، شب دوم ماه را شب اول ماه پنداشته‌اند.

درست است که بر اثر ندیدن و ندانستن معذور بوده‌اند، ولی آیا می‌توان قبول کرد که مسلمین جهان از آغاز بعث پیامبر ﷺ تاکنون و حتی در عصر آن حضرت مکرر اول ماه را اشتباه گرفته‌اند و از فضل شهبای قدر محروم بوده و روز عید را روزه گرفته و به خاطر نداشتن تلسکوپ روز بعد نماز خوانده‌اند. (چون ماه قبلاً متولد شده اما با چشم غیر مسلح قابل رؤیت نبوده است).

حتی کسانی که فعلاً تلسکوپ را برای رؤیت ماه کافی می‌دانند باید بپذیرند که در بسیاری از سالهای گذشته، خود آنان و مقلدانشان دوم ماه مبارک را آغاز ماه و دوم شوال را اول شوال حساب کرده‌اند؛ زیرا از تسکوب بهره ننگرفته‌اند و اگر می‌گرفتند می‌دانستند اول ماه یکی روز جلوتر بوده است و شهبای قدر نیز در جای خود قرار نگرفته و از دست رفته‌اند.

اینها همه گواهی می‌دهد که معیار قابلیت رؤیت با چشم عادی است.

این باورکردنی نیست که در گذشته حتی در زمان معصومین علیهم‌السلام مردم از درک عید و لیالی قدر محروم بوده‌اند، بلکه به عکس، استفاده از تلسکوپ برای رؤیت ماه سبب می‌شود که مردم از آغاز و پایان ماه محروم شوند؛ زیرا معیار واقعی چشم غیر مسلح است» (چند نکته مهم درباره رؤیت هلال، ص ۱۳ - ۱۵).

«صرخ». و چون مردم هنگام رؤیت آن، صدای خود را به فریاد و تکبیر و تهلیل، بلند می‌کردند، به آن هلال گفته‌اند، و از همین باب است «استهلّ الصبی»، یعنی هنگام ولادت، کودک گریه و سر و صدا کرد.^۱

ج) قول به اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح با مشکل بزرگ‌تری مواجه است و آن اینکه قدرت دوربینها و تلسکوپها یکسان نیست. آیا معیار مثلاً تلسکوپهای موجود در ایران است^۲ یا مطلق تلسکوپ مراد است هر چند بسیار پر قدرت و پیشرفته باشد مانند هابل و هیل^۳ در آمریکا؟ به عقیده کارشناسان، چه بسا، هلال با تلسکوپهای معمولی موجود در ایران قابل رؤیت نباشد، اما در همان حال، با تلسکوپ هیل قابل رؤیت است و ممکن است در آینده تلسکوپ قوی‌تری نیز ساخته شود. در این صورت در برخی مواقع و در برخی از آفاق اگر رؤیت با هیل را معتبر بدانیم ماه یک روز زودتر ثابت می‌شود و اگر فقط رؤیت با تلسکوپهای معمولی معتبر باشد نه. خود همین ضابطه‌مند نبودن و به هم

۱. رک: لسان العرب، ج ۱۱، ص ۷۱، «هلّ»؛ و مقاله «رؤیة الهلال و معطیات العلم الحدیث» در فقه أهل البيت علیهم السلام، شماره ۳۱، ص ۸۱.

۲. قدرتهای دوربینهای موجود در ایران و در دسترس هم یکسان نیست. مثلاً یک نفر در جنوب شرقی شهرستان بافت موفق شد هلال جمادی الآخره ۱۴۲۲ را با دوربین دو چشمی ۴۰×۱۵۰ صایران شکار کند ولی همان شخص در همان وقت و همان نقطه با دوربین ۲۰×۱۲۰ صایران نتوانست هلال را ببیند. یعنی دو برابر شدن عدسی چشمی یا بزرگ نمایی دوربین سبب رؤیت شد، و در همان شرایط با دوربین ۲۰×۱۲۰ رؤیت ممکن نشد (تحقیقات اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲ و سال ۱۶، شماره ۱، ص ۱۱۱ «روشها، رتبه‌ها و تجارب رصدی و عملی»، نیز رک: همان، ص ۹۱-۹۳، «بررسی علمی رؤیت هلال...»).

۳. «تلسکوپ فضایی هابل گرانترین و یکی از پیچیده‌ترین رصدخانه‌هایی است که بشر ساخته است. قطر آینه اصلی آن ۲/۴ متر است و در مداری بالای جو به دور زمین گردش می‌کند. به این ترتیب آثار جو از بین می‌رود و می‌توان تصاویری با وضوح بیشتر به دست آورد...». و اگر ملاک رؤیت ناظر زمینی باشد - کما هو الصواب - از این جهت نیز رؤیت با هابل اعتباری نخواهد داشت.

«تلسکوپ هیل با آینه‌ای به قطر دهانه ۵ متری واقع در بالای کوه مونت پالومار در کالیفرنیا دارای بزرگترین آینه بازتابی یک‌پارچه در جهان است. لوله آن در حدود ۱۸ متر طول و ۱۲۵ تن وزن دارد و چنگال نگهدارنده لوله ۳۰۰ تن است و سرد شدن آینه ۲۰۰ اینچی آن نه ماه طول کشید. با این تلسکوپ می‌توان چیزهایی را دید که روشنائی آنها ^۱ نوری است که چشم انسان می‌تواند ببیند. فاصله‌ای را که با هیل می‌توان دید از حد دو میلیارد سال نوری می‌گذرد.» (فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ج ۹، ص ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۱۰، «تلسکوپ»؛ نیز رک: مجله نجوم، شماره ۹، ص ۱۵-۱۷).

ریختگی معیار - که قطعاً مخالف در مقام تحدید بودن شارع است - یکی از شواهد ضعف این قول است.



چند نکته

۱. بر فرض که این ادله مدّعی ما را به طور قطع ثابت نکند، لااقل در اعتبار رؤیت با چشم مسلح تشکیک ایجاد می‌کند، و حداقل شک می‌کنیم آیا رؤیت با چشم مسلح معتبر است یا نه، و با شک در اعتبار به عدم اعتبار حکم می‌کنیم. نیز در روایات وارد شده است که یوم الشکّ آخر ماه مبارک را روزه بگیرید و ماه را سی روزه و کامل کنید.^۱

۲. در صورتی که از ادله چیزی استفاده نشود، و اعتبار رؤیت با چشم مسلح مشکوک باشد، استصحاب موضوعی بقای ماه، و استصحاب حکمی وجوب صوم (در ماه رمضان) جاری است.^۲

۳. عدم اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح، به معنای عدم استفاده از پیشرفتهای علمی و بی تأثیر بودن و استفاده نکردن از ابزار و فناوری جدید در رؤیت هلال نیست، بلکه این ابزار کارآییهای بسیاری در این مسأله دارند که چون در باب سوم همین مقدمه: «اعتبار قول هیوی در رؤیت هلال» و در جلد دوم و چهارم رؤیت هلال، موارد کارآیی آنها را آورده‌ام از ذکر آنها در اینجا چشم می‌پوشم.

۴. اختلاف در مسأله رؤیت هلال با چشم مسلح، اختصاصی به مسلک مشهور فقها یعنی لزوم اشتراک و اتحاد آفاق ندارد، بلکه بر مبنای آیه الله خوئی رحمته الله علیه و عده‌ای دیگر نیز مبتنی بر عدم لزوم اتحاد آفاق، ساری و جاری است.

۵. بحث رؤیت هلال با چشم مسلح از مسائل مستحدثه است و در فقه سابقه چندانى ندارد. از این رو پاره‌ای از استدلالها در این باره چندان قوی و سخته نیست. مثلاً برخی از طرفداران اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح به همین دلیل اکتفا می‌کنند که «رؤیت در

۱. رک: رؤیت هلال، ج ۲، ص ۱۰۳۶ - ۱۰۶۶، ۱۳۷۵ - ۱۳۷۷.

۲. با قطع نظر از پاره‌ای اشکالات، رک: رؤیت هلال، ج ۲، ص ۱۰۶۴ - ۱۰۶۶، ۱۴۴۰ - ۱۴۴۱.

روایات، مطلق است و شامل رؤیت با چشم مسلح هم می‌شود! و اگر اشکال شود که رؤیت و سمع در روایات تعیین حد ترخص و روایات قطع تبلیه هم مطلق است، چرا آنجا را با چشم مسلح معتبر نمی‌دانید، در پاسخ در می‌مانند. همچنین مخالفان اعتبار رؤیت با چشم مسلح هم به این دلیل اکتفا کرده‌اند که رؤیت منصرف به رؤیت متعارف در زمان شارع است؛^۱ ولی دلیلی برای انصراف ذکر نکرده‌اند که می‌توان به آن اشکال کرد که چرا در روایات دسته اول مانند نظر به نامحرم، قائل به انصراف نمی‌شوید؟

۶. قول مشهور فقیهان عصر ما عدم اعتبار رؤیت با چشم مسلح است که از جمله این فقیهانند حضرات آیات: امام خمینی، خوئی، شهید سید محمد باقر صدر و شهید سید محمد صدر رحمته‌م‌الله.^۲

آیه الله خوئی رحمته‌م‌الله گوید:

– لا عبرة بالرؤية بالعين المسلحة... نعم، لا بأس بتعيين المحلّ بها ثم النظر بالعين المجردة، فإذا كان قابلاً للرؤية ولو بالاستعانة من تلك الآلات في تحقيق المقدمات كفى وثبت به الهلال، كما هو واضح.^۳

امام خمینی رحمته‌م‌الله نیز می‌نویسد:

لا اعتبار برؤية الهلال بالآلات المستحدثة، فلو رئي ببعض الآلات المكبرة أو المقرّبة نحو التلسكوب مثلاً ولم يكن الهلال قابلاً للرؤية بلا آلة لم يحكم بأول الشهر، فالميزان هو الرؤية بالبصر من دون آلة مقرّبة أو مكبرة، نعم لو رئي بآلة وعلم محلّه ثم رئي بالبصر بلا آلة يحكم بأول الشهر.^۴

۷. ممکن است مراد برخی از کسانی که رؤیت با چشم مسلح را معتبر می‌دانند در صورتی باشد که قمر در مدار خود به درجه‌ای رسیده باشد که با چشم غیر مسلح قابل رؤیت است ولی بر اثر موانعی مثل بخار و ابر فقط با تلسکوپ دیده می‌شود نه با چشم عادی. بنابراین، آنها با کسانی که رؤیت با ابزار را معتبر نمی‌دانند اختلافی نخواهند داشت؛

۱. رک: رؤیت هلال، ج ۲، ص ۱۱۸۸-۱۱۹۲، ۱۲۶۸-۱۲۶۹، ۱۴۷۸-۱۴۷۹.

۲. رک: رؤیت هلال، ج ۴، بخش سوم.

۳. رؤیت هلال، ج ۲، ص ۱۴۷۸.

۴. رؤیت هلال، ج ۴، ص ۲۶۹۴-۲۶۹۵؛ تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۶۰۷-۶۰۸، مسأله ۱۸.

زیرا در این صورت حتی اگر با تلسکوپ هم رؤیت نشود، ولی محاسبات قطعی فلکی رؤیت پذیر بودن آن را اثبات کند، کافی است.

۸. شاید برخی بپندارند که معتبر دانستن رؤیت هلال با چشم مسلح سبب تسهیل در اثبات رؤیت هلال و مانع بروز اختلاف می شود در حالی که ابداً چنین نیست؛ زیرا به عقیده کارشناسان:

رؤیت با استفاده از ابزار یا بدون بهره مندی از آن، همواره یک نتیجه مشترک هم دارد و آن این است که در هر دو مورد، مشکلی هلالهای بحرانی همچنان پابرجاست؛ با این تفاوت که هلالهای بحرانی با چشم مسلح، کم سن تر (در حدود ۱۲ ساعته) و با چشم غیر مسلح، مسن تر (در حدود ۱۸ ساعته) هستند. مفهوم این مطلب آن است که دیده شدن یا نشدن هلالهای بحرانی، همچنان موجب اختلاف خواهد شد...^۱

۱. تحقیقات اسلامی، سال ۱۵، شماره ۱ و سال ۱۶، شماره ۲، ص ۷۹، «علل ناهماهنگی کشورهای اسلامی...».